



و بازگشت به کار صدها هزار نفر از جمله این توفیقات هستند.

در دولت قبل، رشد اقتصادی از روند بلندمدت خود که به طور متوسط در دامنه ۳ تا ۴ درصد بود منحرف و متوسط رشد سالانه آن به نزدیک به صفر محدود شد. رشد اقتصادی پایین، ضمن اینکه با اهداف کلان و نیازهای کشور برای فائق آمدن بر بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاهی، افزایش رفاه جامعه و ارتقای جایگاه کشور همخوانی ندارد، نحوه تأمین آن نیز آسیب‌های زیادی به منابع کشور زده و بین مناطق کشور نامتوازن بود.

علاوه بر این، کاهش ارزش پول ملی با افزایش مستمر نرخ ارز ناشی از محدودیت‌های تحریمی، بی‌انضباطی در نظام پولی و بانکی، کسری بودجه سنواتی و جبران آن از محل افزایش پایه پولی زمینه‌ساز تورم واقعی و انتظاری شد و توزیع درآمد ناعادلانه و فقر روبه گسترش رفت. همچنین، محدود بودن مقاصد صادراتی و تمرکز بر صادرات مواد خام، شرایط مقاومت کشور در مواجهه با تکانه‌های مختلف را تضعیف کرد.

وجود آسیب‌ها و کاستی‌های فوق، باعث شده تا دولت سیزدهم رویکردی تحول‌گرا به منظور

رفع مشکلات اقتصادی و بسط عدالت و مبارزه با فساد را در دستور قرار دهد و فعالیت‌های دولت را متناسب با شاخص‌های مبارزه با فساد و تبعیض، عدالت‌خواهی و محرومیت‌زدایی، دیپلماسی فعال و متوازن، ارتقای شفافیت و صداقت، اصلاح و ترمیم ساختارها و فرایندها، اقدامات جهادی، خنثی‌سازی تحریم‌ها، برنامه محوری، تعامل بین بخشی، حمایت از اقشار ضعیف جامعه و تعامل با قوای دیگر به‌ویژه مجلس شورای اسلامی تنظیم نماید.

وضعیت اقتصادی کشور در پایان دولت قبل، موضوعی است که کمتر به آن پرداخته شده است. با علم به این واقعیت، بهتری می‌توان عملکرد سال اول دولت سیزدهم را قضاوت کرد. مثلاً در حالی که هم‌اکنون تورم در محدوده ۴۰ درصد است و چنین تورمی برای هر کشوری، بحرانی محسوب می‌شود اما وقتی بدانیم که نرخ تورم در پایان دولت قبل نزدیک به ۵۰ درصد (طبق گزارش مرکز آمار) و نزدیک به ۶۰ درصد (طبق گزارش بانک مرکزی) بوده، نرخ فعلی نشان‌دهنده عملکرد مثبت دولت سیزدهم است که توانسته آن را به شدت کاهش دهد.